

باید از پائین دست به اقدام زد

گفت‌وگو با جیمز پتراس

برگردان - شهره مدائن

آنها جاده‌های اصلی را مسدود میکنند، ترافیک از حرکت باز می‌ایستد، کامیونها نمی‌توانند مواد خام و یا کالاهای تولیدی را منتقل کنند و بنابراین کارخانجات نمی‌توانند به موقع مواد مورد نیاز را دریافت کنند. این اقدام دقیقاً همان حالت و تأثیرات اعتصاب کارگران در مراکز تولیدی را دارد. در این حالت به جای توقف تولید به شکل مستقیم، کارگران بیکار روند و رود کالا به مراکز تولیدی و خروج محصولات را مختل می‌کنند. در یک چنین مواردی معمولاً دولت نیروهای انتظامی را برای متفرق کردن فعالان جنبش اعزام میکند و به دنبال آن کشمکش و یا درگیری‌های وسیعی روی می‌دهد. گاه این درگیری‌ها قربانی می‌گیرد مثل نمونه‌های اخیر که ۵ یا ۶ نفر در شمال آرژانتین کشته شدند. اما دولت از آن می‌ترسد که اگر درگیری و رویارویی‌ها به درازا بکشد، شمار بیشتری از مردم به مرکز درگیری‌ها بیایند و در ادامه خود به یک جنگ داخلی کوچک منجر شود. بنابراین دولت پس از اعزام نیرو و تهدیدهای همیشگی شروع می‌کند به مذاکره برای رسیدن به یک نوع توافق. تمامی شرکت کنندگان در هر یک از این اقدامات پیشنهادات دولت را بررسی میکنند. آنها هیچ نماینده یا رهبری را برای مذاکره معرفی نمی‌کنند. آنها بصورت دسته جمعی در همان محل به تجمع خود ادامه میدهند و دولت را مجبور میکنند که نمایندگان خود را برای مذاکره به همان نقطه اعزام کند. تجربه جنبش بیکاران آرژانتین این است که در گذشته هر گاه نماینده یا رهبری برای مذاکره با دولت تعیین شده، او به شهر رفته و در جریان مذاکره با مقامات دولت یا عوامل اتحادیه‌های فرومایشی، به رفقای خود پشت کرده و خود را فروخته است. معمولاً دولت به این رهبران رشوه زیادی می‌دهد تا ماجرا را ختم کنند و حتی فعالان در آن گروه یا بخش تشکیلات بیکاران را معرفی کنند. بنابراین شیوه مرسوم در جنبش کارگران بیکار برای پیشبرد این قبیل اقدامات نمایندگی مستقیم، مذاکرات مستقیم و اقدام مستقیم است.

این قبیل تظاهرات در مناطقی که به اجرا گذاشته شده‌اند به طرز چشم‌گیری با موفقیت همراه بوده‌اند. اما از حدود ماه سپتامبر گذشته دو جلسه سراسری برای متحد و هماهنگ ساختن تمام کمیته‌های محلی تشکیل شد و در پی مذاکرات آنها توانستند یک شکل از کمیته هماهنگی برای سراسر کشور را ایجاد کنند. در مجموع آنچه که همه این تجارب به مردم آموخت این است که شما نمی‌توانید به سیاستمداران اعتماد کنید. شما باید خود مستقلاً دست به اقدام بزنید و این اقدامات باید از پائین صورت بگیرد.

سؤال: مبارزات پیکتروس‌ها چگونه زمینه را برای تظاهرات ماه دسامبر فراهم کرد؟

پاسخ: من فکر می‌کنم که فضای ذهنی و روحیه لازم برای یک چنین کاری خود را همه جا نشان داد حتی در مرکز شهر بوئنوس آیرس. در چندین مورد به شکل کاملاً طبیعی مردم گرایش خود را به اقدام مستقیم نشان دادند و معاهده‌داران و گروه‌های دیگر تصمیم گرفتند که خیابانهای مرکز شهر را مسدود کنند. در همین خصوص بحث‌های جدی در صفوف جنبش درگرفت چون رهبران اتحادیه‌های به اصطلاح مترقی بر این باور بودند که با مسدود کردن خیابانهای اصلی شهر ولی باز نگر داشتن مسیرهای تردد جایگزین، می‌توانند حمایت طبقه متوسط را جلب کنند. ولی جنبش بیکاران که موضع

چند ماه پیش آرژانتین سمبل تمام مصیبت‌هایی بود که اقتصاد بازار آزاد به ارمان می‌آورد. سالها رکود اقتصادی، بیکاری را در این کشور به ۲۰ درصد رسانده و یک سوم جمعیت کشور را به فقر کامل کشانده بود. در چنین شرایطی تمام آنچه که پرزیدنت فرناندو دلا رونا و وزیر اقتصاد منفور بود؛ او ارائه میداند ریاضت اقتصادی بیشتر؛ کاهش دستمزدها، اخراج‌های دسته‌جمعی، کاهش هزینه‌های دولتی و خصوصی‌سازی بیشتر.

اما آرژانتین امروزی سمبل امید به آینده بهتر است. در اواسط ماه دسامبر، مردم عادی آرژانتین به سیستم اقتصادی که بوسیله بانکداران و کارفرمایان هدایت می‌شود یک «نه» بزرگ گفتند. طوری که تا بیستم دسامبر تمام شهرهای کوچک و بزرگ در آرژانتین از جمله بوئنوس آیرس بر اثر تظاهرات وسیع مردم به حالت فلج درآمدند.

کاوایو وزیر اقتصاد منفور در دولت پرزیدنت دلا رونا اولین مقامی بود که برکنار شد، به فاصله کوتاهی خود رئیس جمهوری هم استعفا داد. و درست یک هفته پس از آن موج جدیدی از تظاهرات، دولت بعدی را هم سرنگون کرد.

جیمز پتراس (James Petras) در دو سال گذشته با جنبش بیکاران در آرژانتین از نزدیک فعالیت و همکاری داشته. پتراس نویسنده کتابها و مقالات متعددی در مورد آمریکای لاتین است که آخرین آنرا در همکاری با هنری ولت میر (Henry Veltmeyer) نوشته است. کتابی است به نام «گلوبالیزاسیون بدون نقاب: امپریالیسم در قرن بیست و یکم». متنی که در زیر می‌آید ترجمه گفتگویی است که آلن ماس (Alan Maass) با جیمز پتراس در مورد خیزش و اقدامات نوده‌ای در آرژانتین در تاریخ ۱۱ ژانویه ۲۰۰۲ انجام داده است.

سؤال: انگیزه‌های خیزش مردم آرژانتین در ماه دسامبر چه بود و جرقة آن چگونه زده شد؟

پاسخ: نیروی که این بسیج‌های گسترده‌تر را صورت داد از جنبش بیکاران آرژانتین و فعالیت‌های وسیع و بدون وقفه آن سرچشمه می‌گیرد. در طی ۵ سال گذشته جنبش کارگران بیکار قدرت زیادی پیدا کرده است. اما در سال گذشته این جنبش در سطح کشور گسترش یافت و توانست در تضمین اجرای برنامه‌هایی توسط دولت، حداقل برای یک بخش از کارگران بیکار، نقش مؤثری ایفا کند.

تاکتیکهای این جنبش، اختلال در روند توزیع و جابجایی کالاها و فلج کردن نقل و انتقال این کالاهاست. فعالان این جنبش که که آنها را پیکتروس (Piqueteros) به معنی پیش قراولان اعتراض می‌خوانند، برای پیشبرد اهداف و به کرسی نشاندن مطالبات خود، جاده‌های اصلی را مسدود می‌کنند. زنان در جنبش کارگران بیکار نقش بسیار فعالی دارند و تعداد آنها در صفوف فعالان این جنبش چشمگیر است. بخصوص زنانی که نقش نان‌آور خانواده‌ها را دارند و تعداد یا درصد آنها بر اثر ادامه بیکاری وسیع در کشور روز به روز افزایش یافته است. در بخشی از مناطق کشور میزان بیکاری به ۵۰ تا ۶۰ درصد می‌رسد. بخش زیادی از فعالین جنبش بیکاران از کارگران صنعتی سابق هستند که همه سوابق فعالیت‌های اتحادیه داشتند و بقیه هم جوانانی هستند که تازه به سن اشتغال رسیده و هیچگاه سابقه کار نداشته‌اند.

رژمنده‌تری دارد با این سیاست مخالفت کرد و اعلام نمود که یا تمام خیابانها مسدود می‌شوند و یا اصلاً چنین تاکتیکی اجرا نمی‌شود.

بنابراین یک چنین گرایشی نه فقط کارگران بیکار و جوانان بلکه بخش وسیعی از اقشار متوسط و کم درآمد و حتی گروهی از خرده بورژواها را به خود جلب کرد؛ از جمله مغازداران، کسبه خرد و بقیه کسانی را که در بانکهای آرژانتین حساب داشتند. زمانی که دولت در نهایت تمامی پولهای مردم در حسابهای بانکی و پس اندازها را مصادره کرد (رقم آن به میلیارد دلار می‌رسید) اقشار متوسط نیز به تظاهرات خیابانی پیوستند. اینها لایه‌های فقیر شده خرده بورژوازی بودند که رادیکال میشدند.

یادآوری کنم که نباید با یک نگاه ساده اینها را همان خرده بورژواهای همیشگی تصور کرد. اینها مردمی بودند که تمامی پس انداز خود را از دست داده بودند. آنها حتی پول لازم برای خرید مواد خوراکی روزانه یا پرداخت کرایه‌خانه یا پول مسافرت و امثال آن را نداشتند. بنابراین با تبعیت از شیوه مبارزه جنبش کارگران بیکار لایه‌ها و اقشار گوناگون مردم به یکدیگر پیوسته و وارد عمل شدند. در این مجموعه شما توده عظیم بیکاران را داشتید که هر کدام به شکلی در اشکال غیررسمی فعالیت‌های اقتصادی درگیر بودند، شما کارگران شاغل را می‌دیدید که به دلیل مسدود شدن حساب‌های بانکی کارفرما حقوق خود را دریافت نکرده بودند و علاوه بر این‌ها توده وسیعی از کارکنان ادارات دولتی و عمومی و مغازداران و کسبه بودند که روی هم رفته یک جبهه وسیع و فراگیر علیه بانکداران تشکیل میدادند.

بانکداران هیچ مشکلی برای خارج کردن پولهای خود نداشتند. با استفاده از خرید سهام آرژانتین از بازار سهام نیویورک آنها هیچ مشکلی برای بیرون بردن پول خود از کشور نداشتند. بنابراین به دلایل گوناگون این یک پدیده طبقاتی است که در آن کارگران بیکار یک قطب را شکل دادند و کارگران شاغل و لایه‌هایی از طبقه متوسط را به سمت یک سیاست مبارزاتی فرا پارلمانی، یعنی سیاست نفی احزاب بورژوازی اصلی، جلب کردند. البته به اعتقاد من این یک پدیده با موقعیت در حال تحول است. اینکه طبقات متوسط یک متحد استراتژیک خواهند ماند و یا یک توافق ویژه به آن‌ها حق خواهد داد که پس اندازهای خود را از بانک‌ها خارج کرده و بنابراین از صغوف مبارزه خارج شوند، سؤالی است که باید منتظر پاسخ آن بود. ولی من فکر می‌کنم که بهترین نکته در این تجربه این بود که اقدام مستقیم بیش از تمامی آن اقدامات نمایشی که بوروکراسی اتحادیه‌ها معمولاً تبلیغ میکند، تأثیرگذار بود و در نهایت توانست رهبران اصلی نئولیبرالیسم و سخنگویان اصلی بانکهای آمریکائی و امپریالیسم را از دولت وقت آرژانتین بیرون براند.

البته هر بار این مقامها با چهره‌های جدیدی جایگزین شده‌اند که همگی در همان چهارچوب نئولیبرالیسم قرار دارند. من تردید ندارم که بازپرداخت بدهی‌های آرژانتین بدون آنکه یک شورش و قیام عمومی را برانگیزد، به هیچ عنوان عملی نیست. در آن حالت سیستم حکومتی پارلمانی بدون شک ساقط خواهد شد حالتی شبیه به جنگ داخلی بوجود خواهد آمد و ارتش وارد تحولات می‌شود. رسانه‌ها و مطبوعات بورژوازی هیچکدام شدت تنش و قطعی شدن جامعه در آرژانتین امروزی را گزارش نکرده‌اند. در صحنه عمل فعالان و انقلابیون این شرایط را موقعیت پیشا انقلابی (Pre-revolutionary Situation) توصیف کردند و به اعتقاد من نیز میزان خصومت و بی‌زاری موجود از تمامی احزاب بورژوازی و رزمنده‌گی که در میان توده‌های مردم موج میزد تعریف دیگری ندارد جز موقعیت پیشا انقلابی. اما در یک چنین وضعیتی یک حزب انقلابی و سازمانیافته با پایگاه وسیع حمایتی وجود ندارد. هزاران نفر از فعالان و مبارزین محلی هستند که در این فعالیت‌ها نقش مؤثری ایفا میکنند و همزمان شرایط ذهنی بسیاری از مردم (اگر نه میلیونها حداقل صدها هزار نفر از آنها) در حال رادیکالیزه شدن است یک چنین شرایطی که آرژانتین از سر می‌گذارند تقریباً در تاریخ اخیر آمریکای لاتین بی‌سابقه است.

در این اوضاع و احوال تمامی احزاب و گروههای کوچک چپ‌گرا چه مارکسیست‌ها و چه تروتسکیست‌ها، تمام وقت و انرژی خود را صرف انتخاب نماینده‌هایی برای شرکت در پارلمان کرده‌اند. هیچکدام از این گروهها و یا احزاب بزرگتر چپ میانه هیچ فعالیتی در زمینه رهبری واقعی حرکات مردم انجام ندادند. تمام آنها از مرکز تحولات دور بوده‌اند و تنها کاری که می‌کنند صدور بیانییه‌ها و اطلاعیه‌ها و فروش نشریات خود است. در هیچیک از این حرکات اعتراضی وسیع که گاه شمار شرکت‌کنندگان در آن در شهرهای مختلف به صد هزار نفر رسیده است هیچگونه رهبری سازمانیافته و جا افتاده‌ای وجود نداشته است. برخی از فعالان جنبش کارگران بیکار تجاری در زمینه

تدارک این اقدامات و جنگ و گریزهای خیابانی دارند تا آنجائی که به آنها باز می‌گردد مطالبات و استراتژی آنها روشن است و آن اشتغال‌زائی در ابعاد وسیع، حقوق و بیمه بیکاری و افزایش دستمزدها و البته عدم بازپرداخت بدهی‌های خارجی است. و بخشهایی از این جنبش حتی شعار ملی کردن بخشهای کلیدی اقتصاد کشور را مطرح میکنند.

سؤال: به نظر شما دولت جدید به ریاست جمهوری دو هاله‌د چگونه دولتی خواهد بود؟

پاسخ: دولت فعلی دو هاله بدون شک یک عامل تشدید نارضایتی است. او یک دست راستی سازمانیافته است و در گذشته آپاراتچی گروههای فشار و اوباش بوده. برخلاف آنچه که روزنامه‌ها می‌نویسند او قادر است که گروههای اوباش متشکل از شبه فاشیستها و بیکاران سرگشته را بسیج کرده و برای رقابت بر سر هژمونی یا ابتکار عمل در حرکات شهری، به خیابانها بکشد. تاکنون یک مورد درگیری جدی از این دست روی داده است که طی آن همانطوری که مشخص بود پلیس از گروههای اوباش پرونیست جانبداری کرده است. ولی همین موارد در حقیقت آزمایشات مقدماتی اما جدی از وضعیت جدید است. دولت دو هاله فرصت تدارک و آمادگی بیشتر ندارد و درست در همین لحظاتی که ما صحبت می‌کنیم در گوشه و کنار آرژانتین تظاهرات وسیعی در جریان است و تدارک وسیعی برای یک نمایش قدرت عظیم انجام شده که همزمان با اعلام برنامه‌های اقتصادی دولت او امروز بعد از ظهر صورت خواهد گرفت.

ما با کشوری روبرو هستیم که در فعالیت‌های اتحادیه‌ای و حرکات سازمانیافته جمعی سابقه طولانی دارد. اعتصابات عمومی در آرژانتین بیش از هر کشور دیگری در جهان رخ داده است. این کشوری است که بیش از هر جامعه دیگری در دنیا امروزی کارگران صنعتی بیکار شده دارد. و بالاخره این کشوری است که بیش از هر جای دیگر نیروی وسیع بیکارانش سازمانیافته و درگیر اقدامات مستقیم هستند. آنچه به اعتقاد من در این تصویر بزرگ ضروری است، و یا جای آن خالی است، یک رهبری سیاسی قابل قبول و شناخته شده است که این روند پویا و متحول را به سمت تشکیل دولت کارگران به پیش ببرد. به اعتقاد من ادامه روند فعلی حتماً سؤال را به شکل برجسته‌تری به میان خواهد آورد. ما نباید فراموش کنیم که دولت آمریکا تا زمانی که این جنبش را خفه نکرده آرام نخواهد نشست. و به اعتقاد من آنچه که ما در آینده از نظر سیستم سیاسی در کشور شاهد آن خواهیم بود حفظ ظاهر غیر نظامی دولت و بازگشت به وضعیتی است که ژنرال‌ها امور را در دست بگیرند. و این درست مثل پرت کردن چوب به سمت آتش است. همانطور که ما در تجارب قبلی هم دیدیم در زمان دولت نظامیان در سال ۱۹۷۶، ارتش برای سرکوب جنبش مجبور شد حدود سی هزار نفر را قتل عام و یا سر به نیست کند. این بار تعداد فعالین و مبارزان بسیار بیشتر از آن است.

سؤال: شما با لحنی انتقادی در مورد معافه کاری رهبران کارگری و به اصطلاح مناسک یا تظاهر به اعتصاب عمومی صحبت کردید. مگر اتحادیه‌ها در این مبارزات با مقاومت مردمی نقشی ندارند؟

پاسخ: در آرژانتین نمی‌شود فقط به صحبت از اعتصاب بسنده کرد و با همین حرفها خود را در جنبش دخیل دانست. اعتصاب عمومی داریم تا اعتصاب عمومی و همه در آرژانتین این را می‌دانند. اگر با یک راننده تاکسی صحبت کنید و از او بپرسید که در مورد این اعتصابات عمومی چه نظری دارد، به شما خواهد گفت که بروکر آنها از این روش برای تخلیه نارضایتی‌ها و یا یک نوع سویاپ اطمینان استفاده می‌کنند. این‌ها معمولاً اقدامات یک روزهای هستند که بدون هیچ تمرکز نیرو و یا اشغال کارخانه‌ها خاتمه می‌یابند. هم دولت و هم کارفرماها میدانند که در یک چنین مواقعی اگر یک روز صبر کنند همه چیز به حالت عادی باز می‌گردد. این اعتصابات عمومی نتایج و تأثیرات ناچیزی دارند و چون کارگران به حرکت در نمی‌آیند و اقدام جدیدی را سازمان نمی‌دهند عملاً روی آگاهی طبقاتی آنها هم تأثیری ندارد. این حرکات از بالا هدایت می‌شوند از بالا آغاز شده و به دستور بلا متوقف می‌شوند.

در آرژانتین سه کنگفدراسیون اتحادیه‌های کارگری هست. اتحادیه کارگری رسمی CGT نام دارد که از دوران دیکتاتوری نظامی با تمام دولتهای حاکم در کشور همسویی داشته و حتی در دوران دیکتاتوری هم بند و بست‌هایی با دولت داشت. کنگفدراسیون دیگر CGT-moyano است یا جریان انشعابی از CGT که توسط هوگو مویانو (Hugo moyano) رهبری می‌شود و از کنگفدراسیون رسمی اتحادیه‌های کارگری به خاطر نزدیکی‌اش با حکومت انتقاد میکند. این کنگفدراسیون نیز خود را از هر

گونه مبارزه برای تغییرات ساختاری دور ننگه میدارد و از نفوذ خود فقط به عنوان عاملی جهت تحت فشار قرار دادن دولت و گرفتن امتیازاتی برای اعضا و پیروانش استفاده می‌کند. سومین کنگدراسیون، کنگدراسیون مترقی CTA است که بر اساس مخالفت با CGT شکل گرفت و بسیاری از کارکنان بخشهای دولتی و عمومی را با خود دارد. این کارکنان نیز تحت تأثیر روند گاستن از حجم ادارات دولتی و بخشهای خدمات عمومی و اخراج و بیکار سازی هزاران نفر از آنها به شدت تحت فشار هستند.

کنغدراسیون مویانو بیشتر از بقیه به مشارکت در اعتصابات عمومی تمایل نشان داده است. آنها بشدت از شعارهای پوپولیستی استفاده میکنند ولی در پایان کار به مذاکره در مورد مسائل محدود صنفی و گروهی کشیده می‌شوند و رهبران بوروکرات آن مرتب دور از چشم کارگران با دولت و کارفرما مذاکره می‌کنند. به همین خاطر از نگاه بسیاری از اقدار و گروههای کارگری این کنگدراسیون جریان فرصت طلب است که به همان سادگی که مردم را به خیابانها میکشد به همان سادگی هم آنها را به خانه‌های خود بازمی‌گردند. اما در مجموع این کنگدراسیون CTA است که رادیکال‌تر و فعال‌تر عمل می‌کند که در رهبری آن ATE یا اتحادیه کارکنان مؤسسات دولتی و بخش عمومی قرار دارد. آنها با پیکتروسها و حرکات کارگران بیکار همکاری داشته‌اند. آنها مسائل و خواستههای بسیار مهم و ساختاری را مطرح کرده‌اند ولی با همه آنها هیچگاه سیستم سرمایه‌داری را مورد سؤال قرار نداده‌اند. نکته دیگر اینست که آنها ظرفیت درگیر شدن در یک مبارزه جدی و بعد عقب‌نشینی و مذاکره را دارند. آنها بشدت تحت تأثیر موقعیت خاص خود به عنوان حقوق‌بگیران دولت هستند، به همین خاطر خیلی اوقات به سمت مذاکره با حکومت کشیده می‌شوند و مسائل بقیه گروههای طبقه کارگر را فراموش می‌کنند. آنها می‌گویند که بیکاران و کارکنان بخشهای عمومی و دولتی باید در یک قالب متحد شوند. اما در تجربه عملی، جنبش کارگران بیکار به این نتیجه رسیده است که کنگدراسیون CTA و رهبری آن یعنی اتحادیه ATE یک نیروی ناپدیدار است که به هنگام مذاکره ممکن است عملاً جبهه‌ی خود را تغییر دهد. بنابراین جنبش کارگران بیکار آرژانتین تصمیم گرفت که خود را جداگانه سازمان دهد. البته اکنون بخشهای نیرومند و قابل توجهی از اتحادیه‌های کارکنان دولت و یا اتحادیه‌های معلمان در مبارزات اخیر فعال بوده و در موارد هم کشته و زخمی داده‌اند.

به اعتقاد من باید بین رهبری سراسری این کنگدراسیون و یا حتی رهبری کنگدراسیون مویانو با اعضا و پیروان آنها تفاوت قائل شد. این نکته بخصوص در ایالات دور افتاده‌تر برجسته می‌شود که خیلی از اعضا و رهبران محلی همین اتحادیه‌ها روحیه مبارزاتی و مواضع بسیار رادیکالی دارند. به عنوان مثال در نواحی که صنایع نفت و گاز مستقر است بخش زیادی از فعالان اتحادیه‌های کارگری تحت تأثیر مبارزات پیکتروسها قرار گرفته و یا عملاً به آن پیوسته‌اند.

سؤال: این تماس بین اعضا و فعالان اتحادیه‌ها با جنبش کارگران بیکار چگونه است.

پاسخ: در مجموع شعارها و لفاظی‌های رهبری عمومی این کنگدراسیون‌ها و اتحادیه‌ها منعکس کننده عملکرد آنها نیست. حرف و شعار آنها با عملشان متفاوت است. و در عین حال با آن اتحاد و همبستگی که در پایه‌های جنبش جریان دارد نیز یکسان نیست. این مهمترین نکته است. منظور من این نیست که هیچیک از رهبران اتحادیه‌ها ذره‌ای روحیه و منش مبارزاتی ندارند.

اما مبارزه‌جویی در اوضاع امروز آرژانتین معنای مشخصی دارد. به عنوان مثال رهبران بجا و احاد در تظاهرات وسیع روز ۲۰ دسامبر کجا بودند؟ مبارزان واقعی می‌گویند که آنها از ترس زیر تخت‌خوابهای خود مخفی شده بودند. غیبت آنها در این روز تاریخی که دولت پرزیدنت دلارونا را ساقط کرد کاملاً محسوس بود. آنطور که در آرژانتین مصطلح است و می‌گویند آنها جوهر چنین کاری را نداشتند. و این خیلی مهم است چون همیشه ارزش عمل از صدها سخنرانی و طرح و برنامه بیشتر است.

سؤال: وضعیت و موقعیت کارگران صنعتی در این تصویر عمومی که شما ارائه می‌دهید چگونه است؟

پاسخ: بخش اعظم کارگران صنعتی در آرژانتین امروز بیکار هستند. قبل از این وضعیت کارگران صنعتی ۴۰ درصد کل کارگران آرژانتین را تشکیل می‌دادند. اما امروز رقم آنها در کل این طبقه به کمتر از ۲۰ درصد کاهش یافته است. بنابراین توده کارگران بیکار یک عده فقرا یا گداهای شهری نیستند. ما در مورد آرژانتین صحبت می‌کنیم. روزگاری همین بیکاران در صنایع اتومبیل‌سازی یا فولادسازی یا

ماشین‌سازی کار می‌کردند. بسیاری از آنها سوابق طولانی در فعالیت‌های اتحادیه‌ای دارند. و جالبتر از این نقش زنان این کارگران بیکار شده است. من متوجه شده‌ام که این زنان به مرور زمان چه در زندگی روزانه خانواده و چه در مبارزات صنفی نقش فعال‌تری به عهده می‌گیرند چون شوهران آنها تحت تأثیر مدت طولانی بیکاری امید و شور خود را از دست داده و با زندگی خود بیگانه شده‌اند. این معمولاً زنان هستند که شوهران خود را به صف تظاهرات و اجتماعات اعتراضی می‌فرستند، آنها را به یافتن راهی برای اشتغال تشویق می‌کنند یا می‌دانند که اگر شوهر آنها در خانه بنشیند خبری از کار نخواهد بود.

اقدامات وسیع توده‌ای و رویارویی‌هایی که در روز ۲۰ دسامبر روی داد بیش از هر مورد دیگری از اعتصابات عمومی و یا اقدامات سمبلیک اتحادیه‌های کارگری در ۵ تا ۱۰ سال گذشته، بر ترکیب سیاسی حکومت و کشور آرژانتین تأثیر گذاشت. اعتصابات عمومی وقتی مهم‌اند که تأثیرات اجتماعی داشته باشند. مثل مواردی که کارگران کارخانه‌ها را اشغال کرده و برای رویارویی با حکومت به خیابان می‌آیند. این آن خصوصیتی است که جنبش کارگران بیکار داراست. اینها مردمی هستند که بشدت تحت فشاراند. آنها کارگران شاغل نیستند که علیه موج اخراجهای وسیع می‌جنگند، آنها سالها قبل شغل خود و بخش مهمی از زندگی و پس‌انداز خود را از دست داده‌اند. بسیاری از خانواده‌ها ماه به ماه رنگ گوشت را نمی‌بینند، اینها توده‌ای هستند از طبقات مختلف و لایه‌های گوناگون طبقه کارگر، اما در جنبش آنها خواسته‌های طبقاتی صداقت و روشنی می‌یابد.

سؤال: پیش‌بینی شما در مورد شکل‌گیری یک حزب یا تشکل سیاسی که بتواند به بحر آنها و سؤالات سیاسی در آینده آرژانتین پاسخ بدهد چیست؟

پاسخ: عامل اصلی سازمانگر این جنبش تاکنون گرسنگی بوده است و همین دلیل اصلی ریختن مردم به سوپرمارکتها در ماه دسامبر و تشکیل صف‌های اعتراضی و مسدود کردن جاده‌های اصلی کشور قبل از آن بود. شرایطی که می‌توان آنرا مبارزه برای مطالبات خیلی پایه‌ای دانست. در یک کلام خواست معترضین ادامه بقاء کار - هر نوع کاری با هر دستمزد ناچیزی - و مطالبه غذا برای سیر کردن خانواده‌های گرسنه. در بستر یک چنین جنبشی بخشی از کارگران پیشرو که سوابق مبارزات اتحادیه‌ای و اندک سوابقی در مبارزات سیاسی داشتند شروع کردند به طرح مسائل دیگر. مسائلی ساختاری مثل حذف بدهی‌های خارجی، سرمایه‌گذاری بیشتر دولت در بخشهای عمومی و ملی کردن بخشهای استراتژیک صنایع، تعدادی از مارکسیستها و سوسیالیستها در برخی از این تشکلهای فعال هستند. اما آنها فعالین مبارزی هستند در چهارچوب همین تشکلهای بدون شک آنها نیروی برتر و رهبری نیستند و در شرایط فعلی آنها پیروان کافی برای کسب رهبری در این جنبش‌ها را ندارند. به اعتقاد من این جنبش اکنون از سه سطح متفاوت برخوردار است. یکی توده‌های وسیعی هستند که پایه‌های این جنبش را می‌سازند و از فقر و محرومیت شدیدی رنج می‌برند. تصورش را بکنید که آرژانتین یکی از بزرگترین تولیدکنندگان گوشت و غلات در جهان است ولی کارگران خود این کشور گرسنه‌اند. آنها یک لقمه گوشت یا یک بشقاب ماکارونی ندارند که با آن شکم فرزندان خود را سیر کنند. اما هر روز می‌بینند که قطار قطار محصولات این کشور به بوینس آیرس سرازیر می‌شود تا از آنجا به اروپا برود. سطح دوم در این جنبش رهبری است که در حال تولد است که با ایده تغییرات ساختاری و مطالبات بزرگ به میدان آمده که می‌توان آنها را پوپولیست‌های مخالف سیستم سرمایه‌داری قلمداد کرد. و بعد، ما سطح سوم را داریم که در آن جا موضوع سوسیالیسم و انقلاب به میان می‌آید. مادامی که حکومت به سیاست‌های فعلی خود که کمکی به حل بحران نمی‌کند ادامه دهد، قدرت و رهبری در این تشکلهای به سمت نیروهای چپ متمایل خواهد شد. تا همین یک ماه پیش خواست حذف بدهی‌های خارجی یک شعار نیروهای چپ بود ولی اکنون به مطالبه عمومی بدل شده است و به همین ترتیب شعار سرمایه‌گذاری در بخشهای عمومی و خدمات دولتی نیز اکنون فراگیر شده است. مطالبه ملی‌سازی مجدد بخش‌های کلیدی صنایع نیز طرفداران محدودی داشت ولی امروز صدها هزار نفر از آن دفاع میکنند. مداخله در بانکها و نظام بانکی نیز اکنون به خواستی همه‌گیر بدل شده است. بنابراین بطور کلی فضای مسائل سیاسی و مجادلات و مطالبات به سمت چپ متمایل شده است و همزمان نقش نیروهای چپ در هدایت این جنبش‌ها نیز رو به افزایش است. اما این هنوز ایده‌ها و برنامه‌های چپ است و نه یک نیروی چپ سازمان‌یافته!

ژوئیه ۲۰۰۲

پیر بوریو، پیش از در گذشتش در ژانویه سال جاری، بدون شک به یکی از رهبران برجسته‌ی